

تعهدات زیست محیطی شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل محیط زیست

محمدعلی صلح‌چی* - مهرداد محمدی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۳)

چکیده

یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل پیرامون عملکرد شرکت‌های فراملی تقاضای زیست محیطی آن‌هاست که گاه صدمات جبران‌ناپذیری بر جای می‌نهد. این موضوع یکی از دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، به عنوان کشورهای سرمایه‌پذیر بوده است. تقاضای زیست محیطی مکرر، توسط شرکت‌های فراملی این پرسش را به ذهن متبادر می‌نماید که آیا اساساً این شرکت‌ها به الزامات حقوقی برای پایبندی و ارتقاء استانداردهای زیست محیطی تن داده‌اند یا خیر. به نظر می‌رسد حقوق بین‌الملل محیط زیست الزاماتی، هرچند در قالب حقوق نرم و قوام نیافته برای این شرکت‌ها پیش‌بینی نموده است. استانداردها و هنجارهایی که امید می‌رود با اعمال و نهادینه شدن در حقوق بین‌الملل بتوانند آثار زیان‌بار زیست محیطی عملکرد شرکت‌های فراملی را حداقل تعدیل نمایند. در این مقاله به بررسی اهم برجسته‌ترین استانداردها و اصول فرا روی شرکت‌های فراملی به منظور عملکرد سازگار با محیط زیست پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: شرکت‌های فراملی، حقوق بین‌الملل، محیط زیست، هنجارهای زیست محیطی.

* solhchi@yahoo.com

* استادیار حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی

meh_mohammadi@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

«ما، مردم ملل متحد» در عصری زندگی می‌کنیم که با مخاطرات و بحران‌های متعددی روبرو هستیم. یکی از چالش‌های پیش روی ما (اگر نگوییم جدی‌ترین)، مشکلاتی است که بر اثر تعامل نادرست انسان و طبیعت، تعادل زیست‌محیطی را بر هم زده است. در همین راستا یکی از اهداف توسعه هزاره (تا سال ۲۰۱۵) دستیابی به توسعه پایدار اعلام شده است.^۱ به علاوه «دستور کار قرن ۲۱»^۲ نیز ضمن آن که بشریت را در مقطع حساس تاریخی می‌داند، بر دغدغه‌های زیست‌محیطی حاکم بر امر توسعه و روح همکاری جمعی برای دستیابی به توسعه پایدار تأکید ورزیده است.^۳ مصادیق آلودگی و تخریب محیط زیست بی‌شمارند، اما ملموس‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از تغییرات آب و هوایی و گرم شدن زمین، ذوب شدن یخ‌های قطبی و بالا آمدن سطح آب دریاها، آلودگی بی‌حد و حصر آب‌های جهان، از بین رفتن لایه اوزون، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی، زوال تنوع زیستی کره زمین و جابجایی پسماندها و مواد شیمیایی خطرناک.^۴ همگی این‌ها معضلاتی هستند که مرزها را به سرعت درمی‌نوردند و به هیچ کشور و منطقه جغرافیایی خاصی محدود نمی‌شوند. فعالیت‌های انسان به طرق مختلفی این فرایند را سرعت بخشیده است. یکی از محرک‌های اصلی در این روند تخریبی شرکت‌های فراملی بوده‌اند. شرکت‌های فراملی امروزه در زمره مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی قرار دارند. اگرچه آن‌ها مطابق تقسیم‌بندی‌هایی که از گذشته رواج داشته است جزء تابعان منفعل حقوق بین‌الملل قلمداد می‌شده‌اند، مع ذلک از چنان جایگاه در نظام بین‌المللی برخوردار گشته‌اند که به وضوح می‌توان آن‌ها را در کنار تابعان اصلی حقوق بین‌الملل یعنی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مشاهده نمود؛ لذا در این نوشتار بر آنیم تا با بررسی برخی از مهم‌ترین سازوکارهای بین‌المللی متضمن الزامات حقوقی برای این بنگاه‌ها، چارچوبی نسبتاً مدون برای عملکرد

۱. اعلامیه هزاره سال ۲۰۰۰ که بر پایه کنفرانس‌های جهانی سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۹۰ به وجود آمده است، نشانگر تعهد قوی دولت‌ها، در دستیابی به توسعه، صلح و امنیت، برابری جنسیتی، حذف و ریشه‌کنی فقر و توسعه پایدار انسانی است. این اعلامیه که شامل ۸ آرمان و ۱۸ هدف زمان‌بندی شده است، توسط روسای ۱۸۹ کشور اتخاذ شد و به تصویب رسید. برای اطلاع از آخرین وضعیت اهداف توسعه هزاره به وب‌سایت زیر مراجعه شود:

<http://www.undp.org/content/undp/en/home/mdgoverview.html>

2. See: Agenda 21, para 1

۳. در سال ۱۹۹۲ کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست و توسعه در ریودوژانیرو برزیل برگزار شد و سند نهایی این کنفرانس به دستور کار قرن ۲۱ موسوم گشت. دستور کار ۲۱ بیان توافق جهانی و تعهد سیاسی در بالاترین سطح، به منظور همکاری در زمینه توسعه و محیط زیست است. (بنگرید به: دستور کار ۲۱، ماده ۳۰، ۱)

۴. در سال ۲۰۱۰ یک میلیون هکتار از جنگل‌های روسیه به دلیل امواج عظیم گرما در آتش‌سوزی مهیبی از بین می‌رود. همچنین پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۱۰۰ دمای زمین تا ۵ درجه سلسیوس افزایش یابد و سطح آب دریاها بین ۹ تا ۸۰ سانتی‌متر بالاتر بیاید. تغییرات آب و هوایی به شدت بر بروز فجایع طبیعی همچون سیل، خشک‌سالی، باران‌های اسیدی، طوفان و گردباد دامن زده است.

زیست‌محیطی ایشان ترسیم نماییم.

۲. جهانی‌شدن و روند نگران‌کننده فعالیت‌های شرکت‌های فراملی

جهانی‌شدن مفهومی است منعطف و چندوجهی که دربرگیرنده پدیده‌های اجتماعی مختلفی است که در سطح جهان در حال رخ دادن است. به‌واقع جهانی‌شدن را می‌توان از زوایای بسیار مختلفی نگریست، چندان‌که این پدیده با علوم همچون جغرافیا، اقتصاد، سیاست، فلسفه، جامعه‌شناسی، محیط زیست و حقوق ارتباط می‌یابد؛ بنابراین جهانی‌شدن فرایندی است چندبعدی که در بازه زمانی و مکانی بسیار گسترده‌ای اتفاق می‌افتد. در این مسیر مرزهای سیاسی کمرنگ‌تر می‌شوند، فرهنگ‌ها و جوامع به هم نزدیک‌تر می‌شوند، تکنولوژی مرزها را درمی‌نوردد و تعاملات گسترده می‌شود. بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند جهانی‌شدن پدیده جدیدی نیست و یکپارچه‌شدن جهانی در طول تاریخ در حال وقوع بوده است؛ اما آنچه در دوران اخیر چشمگیرتر بوده است پیشرفت فناوری است که بر به هم پیوستگی جامعه جهانی بیشتر دامن زده و مفهوم دهکده جهانی را برای بشر ملموس‌تر ساخته است. امروز یکی از مصداق‌های بارز جهانی‌شدن، شبکه جهانی وب است که امکان ارتباط جهانی و دسترسی به انواع اطلاعات را فراهم نموده است. بدین ترتیب جهانی‌شدن حاصل به هم پیوستگی بین‌المللی فزاینده در زمینه‌های تجاری، مالی، زیست‌محیطی، فرهنگی، ارتباطات، حقوق و غیره است. بدیهی است که فرایند جهانی‌شدن که به سرعت در حال گسترش است تبعات زیست‌محیطی فاجعه‌باری نیز بر جای می‌نهد. همچنین با امان به این که بسیاری از کشورهای درحال توسعه فرصت جذب سرمایه‌گذاران خارجی را حتی در ازای لطمه به محیط زیست خود مغتنم می‌شمارند و با عنایت به خلأ سازوکارهای حفاظت از محیط زیست در عرصه قوانین داخلی و بین‌المللی امکان نقض‌های زیست‌محیطی از سوی شرکت‌های فراملی در جریان فعالیت آن‌ها بسیار بدیهی است. حال باید دید در این بین شرکت‌های فراملی به عنوان بازیگران قدرتمند جهانی در عرصه سرمایه‌گذاری خارجی چه نقشی ایفا نموده و چه ارتباطی با محیط زیست دارند.

۳. ارتباط شرکت‌های فراملی با محیط زیست

در حقیقت فعالیت‌های شرکت‌های فراملی حائز جنبه‌های مثبت^۱ و منفی زیست‌محیطی بوده

۱. برای نمونه می‌توان به پروژه خط لوله عظیم انتقال نفت میان آذربایجان، گرجستان و روسیه توسط بریتیش پترولیوم اشاره نمود. این پروژه را می‌توان مصداق دوراندیشی یک شرکت فراملی در اعمال استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر و حفاظت

است. طرفداران فعالیت‌های شرکت‌های فراملی استدلال‌هایی همچون کمک به رشد و توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و در حال توسعه را از جمله مزیت‌های این بنگاه‌های اقتصادی مطرح می‌نمایند. این در حالی است که جنبه‌های منفی این فعالیت‌ها بسیار بارزتر بوده و تا حدودی موجبات بدنامی و سوءظن به عملکرد این غول‌های تجاری را فراهم ساخته است.^۱ در حقیقت فراملی‌ها در مسیر دستیابی به سود بیشتر، محیط زیست را به مخاطره افکنده و گاهی لطمات جبران‌ناپذیری بدان وارد آورده‌اند. دو حیطه از بحث‌برانگیزترین فعالیت‌های این شرکت‌ها مربوط به صنعت نفت و نیز معدنکاری بوده است. در قسمت بعد نگاهی به برخی از مهم‌ترین این فعالیت‌های زیان‌بار خواهیم داشت.

۳-۱. شرکت‌های فراملی و فعالیت‌های نفتی

عملیات اکتشاف نفت می‌تواند تأثیرات زیست‌محیطی بسیار نامطلوبی بر کیفیت آب (دریا)، زمین و هوای محل فعالیت بر جای گذارد. از جمله این تأثیرات مخرب می‌توان به رها شدن نفت در آب‌های داخل سرزمین و دریا و نیز اشتعال گاز که خود باعث اسیدی شدن باران می‌گردد اشاره نمود. بعلاوه نشت نفت سبب تخریب اراضی مورد استفاده کشاورزی خواهد شد. در این راستا انتقادات زیست‌محیطی بسیاری بر برخی شرکت‌های فراملی درگیر در حوزه اکتشاف نفت وارد گشته است. در ادامه به نمونه‌هایی از این دست فعالیت‌های زیان‌بار اشاره می‌شود:

۱- نشت مکرر نفت در دلتای نیجر (۴۰٪ از نشت‌های Shell در جهان، بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲ را تشکیل می‌دهد است) با بر جای نهادن لایه‌های نفت، اکوسیستم منطقه را به نابودی می‌کشاند. آلودگی در این دلتا به حدی گسترده بوده است که ماهیگیری، احداث جنگل و کشاورزی را در بسیاری از بخش‌های این ناحیه غیرممکن ساخته است. نگهداری نامناسب از لوله‌های نفتی اغلب موجب نشت نفت و سرازیر شدن آن به مزارع روستائیان می‌گردد. بیشتر روستائیان منطقه به دلیل آلودگی نفتی به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و آب آشامیدنی

از محیط زیست در توسعه یک پروژه دانست. در این پروژه بریتیش پترولیوم با ۳۰۰۰۰ مالک و کاربر زمین در مدت زمان ۲۰ ماه مشورت نمود تا ارزیابی جامعی از تأثیرات اجتماعی و اقتصادی پروژه بر منطقه به عمل آورد. اقدام شرکت بریتیش پترولیوم از منظر حقوقی در این پروژه امضای بیانیه‌ای مشترک با سه کشور میزبان خط لوله در ماه می ۲۰۰۳ بوده است که تضمین می‌نماید استانداردهای به رسمیت شناخته شده بین‌المللی در مورد حقوق بشر، حقوق کار و محیط زیست رعایت گردند. همچنین مسیر خط لوله به گونه‌ای انتخاب شده است که ضمن اجتناب از جایجایی بومیان ساکن، از مناطق حفاظت شده ملی و بین‌المللی از جمله پارک ملی Borjomi-kharagauli عبور ننماید.

۱. برای مثال فاجعه بوپال در هند که دیوان عالی هند مسئولیت شرکت فراملی را محرز دانست، حدود ۸۰۰۰ نفر به دلیل استنشاق گاز سمی کشته شدند و بیش از ۱۲۰۰۰۰ نفر نیز دچار بیماری گشته‌اند.

از نقاط دیگر به این منطقه وارد می‌شود. سرانجام اشتعال گاز^۱ دائمی در منطقه نه تنها سبب انتشار گازهای گلخانه‌ای در جو و به دنبال آن باران‌های اسیدی و از بین رفتن پوشش گیاهی و جانوران گشته است، بلکه میزان بیماری‌های تنفسی، سرطان و دیگر بیماری‌های مرتبط با آلودگی آب را تشدید نموده است. (Shinsato, 2005:194)

۲- از جمله پیامدهای زیست‌محیطی فعالیت‌های اکتشافی شرکت نفتی تگزاکو در دهه ۱۹۹۰ در کشور اکوادور آلوده‌سازی گسترده آب، جنگل‌زدایی، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و فرسایش خاک بوده است. در این حادثه عملیات اکتشافی تگزاکو ۴۶۴ میلیون بشکه فاضلاب آلوده به هیدروکربن و دیگر فلزات سرطان‌زا بر جای گذاشت که وارد رودخانه‌ها شد. این ضایعات نه تنها به زمین‌های بومیان و یک پارک ملی در اکوادور صدمه وارد کرد بلکه بخشی از سیستم رودخانه‌ای کشور پرو را نیز تحت تأثیر قرار داد. به‌علاوه برآورد می‌شود آثار زیان‌بار اکتشاف نفت در منطقه اورینت در این منطقه محصور نمانده و به دیگر نقاط جهان نیز سرایت نموده است. (Rogers, 2000)

۳- نشت نفت از سکوی دیپ واتر هورایزن^۲ متعلق به شرکت بریتیش پترولیوم (BP) در خلیج مکزیک که دست کم به مدت سه ماه در سال ۲۰۱۰ ادامه داشت بزرگ‌ترین حادثه نفتی دریایی در تاریخ صنعت نفت است. در جریان این نشت، معادل ۴۹۰۰۰۰۰ بشکه نفت خام وارد دریا شد. این حادثه نشت نفت صدمات گسترده‌ی جبران‌ناپذیری به محیط زیست دریایی و حیات وحش منطقه و همچنین صنایع گردشگری و شیلات آن وارد نمود. به دنبال این فاجعه حیات ۴۰۰ گونه از جانوران ساکن جزایر و تالاب‌های خلیج به مخاطره افتاده و نزدیک به هفت هزار جانور بی‌جان نیز جمع‌آوری گردید. نشت نفت از چنان گستره‌ای برخوردار بود که تا جولای ۲۰۱۱ در حدود ۷۹۰ کیلومتر از سواحل لوئیزیانا، میسی‌سی‌پی و فلوریدا همچنان آلودگی نفتی ادامه داشت. برخی از کارشناسان این نشت نفت را «بدترین فاجعه زیست‌محیطی ایالات متحده» توصیف نموده‌اند.

۲-۳. شرکت‌های فراملی و عملیات معدنکاری

یکی دیگر از فعالیت‌هایی که می‌تواند برای محیط زیست پرمخاطره تلقی گردد فعالیت‌های معدنکاری و فراوری محصولات معدنی است. تا به حال موارد تخریب زیست‌محیطی متعددی پیرو فعالیت فراملی‌های فعال در این زمینه گزارش شده است. معدنکاری نقش بسیار مهمی در اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه ایفا می‌نماید. معدنکاری‌های گسترده و فراوری

1. Gas Flare
2. Deep Water Horizon

معدنی می‌تواند بر کیفیت زمین، آب و هوا لطمه وارد نماید. توسعه معدن و تخلیه خاک‌های سطحی روی مواد معدنی نه تنها گیاهان و جانوران را در معرض نابودی قرار می‌دهد بلکه کشاورزی در آن محدوده را نیز غیرممکن یا دشوار می‌سازد. کیفیت آب نیز تحت تأثیر فلزات و مواد شیمیایی سمی مورد استفاده در فراوری قرار می‌گیرد و رودخانه‌ها توسط پسماندهایی که در آن‌ها تخلیه می‌گردد آلوده می‌شوند. سرانجام از جمله تأثیراتی که عملیات معدنکاری بر هوا دارد می‌توان به آلودگی غبارهای سمی، انتشار دی‌اکسید سولفور و باران اسیدی اشاره نمود.

برای نمونه در سال ۱۹۸۹ بزرگ‌ترین شرکت فراملی معدنکاری در کشور غنا^۱ پروژه معدنکاری سطحی خود را در این کشور اجرا نمود که سبب تخریب اراضی قابل کشت منطقه گشت و ساکنین منطقه بابت وضعیت ایجاد شده درخواست جبران خسارت نمودند. متأسفانه محیط زیست بسیاری از کشورهای در حال توسعه که در صدد بهره‌برداری از منابع معدنی خود برآمده‌اند به طرز مشابهی دستخوش تخریب گشته است.

یکی دیگر از حوادث رخ داده در حوزه معدنکاری که لطمات جبران‌ناپذیری بر محیط زیست کشور میزبان بر جای نهاد در قضیه استخراج از معدنی در کشور پاپوا گینه‌نو بود که فاجعه زیست‌محیطی آلودگی گسترده رودخانه «اوکی تدی»^۲ را در پی داشت. معدن طلا و مس اوکی تدی در کوه فویلان واقع در سرچشمه رودخانه اوکی تدی واقع شده است. این معدن که بزرگ‌ترین منبع درآمد کشور پاپوا گینه‌نو است توسط دولت و دو شرکت خارجی^۳ اداره می‌شد. در حادثه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ رخ داد هر سال ۴۰ میلیون تن سنگ زائد و ۳۰ میلیون تن ضایعات معدنکاری توسط شعبه شرکت معدنکاری استرالیایی^۴ مستقیم وارد طبیعت می‌شد. روند مزبور صدمات جبران‌ناپذیری بر تنوع زیستی سیستم رودخانه‌ای و نیز جنگل‌های استوایی مجاور وارد نمود و بدین وسیله روش سنتی امرار معاش بومیان ساکن در منطقه را از میان برد. بعلاوه تقریباً کلیه ماهی‌های رودخانه بر اثر مسمومیت از بین رفتند، ۱۷۶ کیلومتر مربع از جنگل‌ها تخریب و بین ۳۰ الی ۵۰ هزار ساکن جنگل‌های بارانی در امتداد رودخانه جابجا شدند.

بدیهی است که در رابطه با صدمات زیست‌محیطی شرکت‌های فراملی نمونه‌های بسیار

۱. شرکت آشانتی گلدفیلد (Ashanti Goldfield) یکی از شرکت‌های بزرگ معدنکاری طلا است که در کشور غنا فعالیت می‌نماید.

۲. OK Tedi river

۳. مالکیت معدن مزبور در اختیار شرکت استرالیایی BHP (۵۲٪)، شرکت معدنکاری کانادایی Inmet (۱۸٪) و دولت پاپوا گینه‌نو (۳۰٪) بوده است.

۴. BHP Billiton

دیگری نیز وجود دارد و نمونه‌های مذکور تنها مشتق نمونه خروار تلقی می‌شوند؛ مثلاً در کشور هند شرکت کوکاکولا متهم به تهی سازی منابع آب از طریق حفاری بی‌رویه این منابع، صدمه به زمین‌های زراعی و شالیزارها، خشکاندن چاه‌ها، تخلیه پسماندهای سمی و نقض قوانین کار است. (Puvimanasinghe, 2007: 177) همچنین فعالیت‌های اکتشاف نفت توسط شرکت نفتی موییل در دلتای نیجر سبب بروز مشکلات زیست محیطی متعدد و اخلال در کار ماهیگیران محلی شده است. مورد دیگر پرونده‌ای است که در آن ساکنان روستایی ساحلی در منطقه آلاسکا از بیست و چهار شرکت نفتی و نیروگاهی معادل ۴۰۰ میلیون دلار خسارت طلب نموده‌اند. ایشان ادعا نموده‌اند که شرکت‌های مزبور با انتشار مقادیر بالای گازهای گلخانه‌ای سبب تشدید گرمایش جهانی و بالا آمدن سطح آب دریا شده‌اند که در نتیجه این فرایند مجبور شده‌اند تا روستای خود را به زمین‌های مرتفع‌تری انتقال دهند. با عنایت به مطالب یاد شده به برخی از مهم‌ترین استانداردهای زیست‌محیطی در حیطه حقوق بین‌الملل محیط زیست نظر می‌افکنیم که قابل تسری به شرکت‌های فراملی نیز هستند. استانداردهایی که با اعمال آن‌ها می‌توان تا حدود زیادی از اثرات زیان‌بار زیست محیطی کاست.

۴. استانداردهای زیست‌محیطی قابل تسری به شرکت‌های فراملی

در گزارش دبیر کل ملل متحد به کمیسیون شرکت‌های فراملی در سال ۱۹۹۱ آمده است: در شرایطی که خط‌مشی‌ها و استانداردهای زیست‌محیطی از رهگذر مذاکرات و سیاست‌های بین‌الدولی مورد قبول واقع شده‌اند، از شرکت‌های فراملی انتظار می‌رود تا فعالیت‌های خود را با این استانداردها هماهنگ نمایند زیرا این قبیل خط‌مشی‌ها نمایانگر استانداردهای حداقلی^۱ هستند که جامعه بین‌المللی در مورد آن‌ها به توافق رسیده است.^۲ اگرچه در گزارش دبیر کل ملل متحد به وجود استانداردهای حداقل زیست‌محیطی اذعان شده است که جامعه بین‌المللی انتظار متابعت از آن‌ها را دارد، اما به‌واقع این قبیل اسناد تنها بیانگر اراده و عزمی کلی هستند و متأسفانه عاری از ضمانت اجرا و غیر الزام آورند.

در گزارش مطالعه‌ای که دپارتمان توسعه اقتصادی و اجتماعی ملل متحد^۳ در سال ۱۹۹۲ در ارتباط با الزامات حقوق بین‌الملل محیط زیست برای شرکت‌های فراملی انجام داد، اعلام گردید: «به طور کلی پیشرفت‌های حاصل در حقوق بین‌الملل محیط زیست بیانگر آن است که

1. Minimum Standards

۲. به‌علاوه این انتظار در «دستور کار ۲۱» نیز مورد تصریح قرار گرفته است و می‌تواند بیانگر مسئولیت مشترک شرکت‌ها و دولت‌ها در حفاظت از محیط زیست جهانی باشد.

3. UN Department of Economic and Social Development

استانداردهای حداقل زیست محیطی بین‌المللی پدیدار گشته‌اند که شرکت‌های فراملی می‌توانند آن‌ها را مبنای فعالیت‌های جهانی خود قرار دهند». (Sands, 1993: 37) استانداردهای زیست محیطی بین‌المللی که به اتخاذ داوطلبانه آن‌ها توسط شرکت‌ها در این گزارش اشاره شده است عبارت‌اند از: استفاده پایدار از منابع طبیعی، ارزیابی آثار زیست محیطی^۱ و مطلع نمودن شهروندان و مقامات بین‌المللی. یکی از مؤلفین در این زمینه طی مبحثی پیرامون آثار توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست بر صنعت نفت، برخی از استانداردهای بین‌المللی مرتبط با شرکت‌ها را استانداردهایی چون بهترین رویه^۲، پیشگیری از آلودگی، جریمه آلوده کننده^۳، احتیاط، سازگاری اکولوژیکی، گزارش دهی و «مسئولیت مشترک اما متفاوت»^۴ می‌داند. در نوشته‌ها و آثار دیگر نویسندگان نیز به این اصول و اصول مشابهی چون «مدیریت زیست محیطی» و «شفافیت» برخورد می‌نماییم. تکرار اصول مذکور در خصوص نحوه رفتار شرکت‌های فراملی توسط نویسندگان مختلف بیانگر اهمیت آن‌ها در دکتترین و متعاقباً شکل‌گیری بدنه‌ای از حقوق نرم زیست محیطی مورد انتظار از بخش خصوصی است. بعلاوه اصول فوق در خط‌مشی‌های زیست محیطی سازمان‌های بین‌المللی (مانند ملل متحد و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) مورد تأکید قرار گرفته‌اند. به قول پروفیسور لو: «جایگاه شرکت‌ها در نگرانی‌های زیست محیطی چنان پررنگ گشته است که از آن‌ها انتظار می‌رود به عنوان شرکای دولت‌ها در اجرای موازین حقوق بین‌الملل همکاری نمایند». بنابراین شاید بتوان نتیجه گرفت که در وضعیت کنونی اگرچه شرکت‌های فراملی تابعان فعال حقوق بین‌الملل نیستند اما حداقل حقوق بین‌الملل از آن‌ها به عنوان بازیگران مهم بین‌المللی انتظار دارد (بدون آن که بر آن‌ها تعهدات الزام‌آور بار نماید) تا توان خود را در راه پیشبرد اهداف حقوق بین‌الملل محیط زیست به کارگیرند و این انتظار در اسناد و سازوکارهای حقوق نرم به‌خوبی متجلی است. بعلاوه بسیاری از استانداردهای مشروحه ذیل در اسناد و هنجارهای تدوین شده توسط سازمان‌های بین‌المللی تصریح شده‌اند.^۵ با این توصیف در مبحث بعد به بیان مهم‌ترین اصول زیست محیطی مورد نظر می‌پردازیم.

1. Environmental Impact Assessment (EIA)
2. Best practice
3. Polluter Pays Principle (PPP)
4. Common but Differentiated Responsibility

۵. از آن جمله می‌توان به اسناد و سازوکارهای مهم ذیل اشاره نمود: پیش‌نویس کد رفتاری سازمان ملل متحد در مورد شرکت‌های فراملی، میثاق جهانی دبیر کل سازمان ملل متحد، هنجارهای مسئولیت شرکت‌های فراملی و دیگر بنگاه‌های اقتصادی با عنایت به حقوق بشر، اصول راهنمای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، استانداردهای زیست محیطی موسسه مالی بین‌المللی، منشور توسعه پایدار اتاق بازرگانی بین‌المللی، استاندارد ایزو ۱۴۰۰۱ سازمان بین‌المللی استانداردسازی

۴-۱. ادغام (یکپارچه‌سازی)^۱

به موجب اصل ادغام که یکی از مبانی اصلی حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار به شمار می‌رود، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی باید ملاحظات زیست‌محیطی را در برنامه‌های اقتصادی خود ادغام نمایند و نیز دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی را در هنگام تدوین و اعمال تعهدات زیست‌محیطی خود مطمح نظر قرار بدهند. (Sands, 1993: 263-264) اگرچه این اصل در اعلامیه ریو در رابطه با برنامه‌های توسعه ملی مطرح گردیده است^۲، اما می‌تواند در مورد شرکت‌های فراملی هم صادق باشد؛ بدین معنی که بنگاه‌های اقتصادی باید ملاحظات زیست‌محیطی را در فرایند تصمیم‌گیری برای فعالیت‌های اقتصادی خود بگنجانند. استاندارد ادغام در ارتباط با شرکت‌ها، استاندارد است که در سطح مدیران و تصمیم‌گیرندگان بنگاه‌های اقتصادی کارایی دارد و با اعمال صحیح این استاندارد می‌توان آثار زیان‌بار زیست‌محیطی را شناسایی و مهار نمود. فی‌الواقع سنجش میزان واقعی اعمال این استاندارد از سوی شرکت‌ها تا حدود زیادی بستگی به تمایل شرکت فراملی به اعمال استانداردهای حداقل زیست‌محیطی دارد. این اصل در هنجارها و مقررات ملل متحد، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و موسسه مالی بین‌المللی مورد تصریح قرار گرفته است.

۴-۲. خودارزیابی آثار زیست‌محیطی^۳

خودارزیابی آثار زیست‌محیطی (چنان‌که از نام آن پیداست) متضمن ارزیابی مستمر بخش خصوصی از تبعات زیست‌محیطی احتمالی کلیه فعالیت‌های آن، بر مبنای مستندات علمی و ارائه نتایج به جوامعی است که تحت تأثیر این فعالیت‌ها قرار می‌گیرند. استفاده از ارزیابی‌های آثار زیست‌محیطی^۴ روش خوبی است تا دولت‌ها ملاحظات زیست‌محیطی را در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های خود وارد نمایند. اگرچه این روش به درستی در سطح بین‌المللی تعریف نشده است، اما ارزیابی آثار زیست‌محیطی مستلزم دستیابی به داده‌های علمی، بررسی دقیق تبعات زیست‌محیطی و در میان گذاشتن نتایج با مقامات و جوامع مربوطه است. (Morgera, 2009: 179)

شرکت‌های فراملی نیز باید با انجام خودارزیابی در مورد انجام یا ادامه فعالیت‌های مورد نظر تصمیم‌گیری نموده یا دست کم نحوه فعالیت را با پیامدهای زیست‌محیطی احتمالی هماهنگ

1. Integration

۲. نک به: اعلامیه ریو، اصل ۴

3. Self-assessment of Environmental Impacts

4. Environmental Impact Assessments (EIAs)

سازند.^۱ بدین ترتیب مدیران شرکت‌ها می‌توانند با انجام ارزیابی‌های زیست‌محیطی، پیامدهای زیان‌بار فعالیت بنگاه خود را پیش‌بینی نمایند و از مخاطرات قریب‌الوقوع پیشگیری نموده یا آن‌ها را به حداقل برسانند.

ارزیابی آثار زیست‌محیطی در هنجارهای ملل متحد در مورد مسئولیت شرکت‌های فراملی^۲ نیز عنوان شده است؛ به طوری که از بنگاه‌های تجاری خواسته شده است تا آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های خود را به صورت ادواری ارزیابی کنند تا اطمینان حاصل نمایند که بار آثار منفی زیست‌محیطی فعالیت‌های ایشان بر دوش گروه‌های نژادی، قومی، اقتصادی و اجتماعی ضعیف قرار نمی‌گیرد. این هنجارها ارائه گزارش ارزیابی‌ها را به برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP)، سازمان بین‌المللی کار، دول موطن سرمایه‌گذار و میزبان و گروه‌های متأثر توصیه می‌نمایند.^۳ همچنین اصول راهنمای «کنوانسیون تنوع زیستی در مورد توسعه تنوع زیستی و گردشگری»^۴ اقدامات ذیل را در این خصوص پیشنهاد می‌کند: شناسایی ذینفعان مختلفی که در اجرای پروژه پیشنهادی درگیر بوده یا به طور بالقوه از آن متأثر می‌شوند، ارزیابی آثار بالقوه طرح‌ها، ارائه اطلاعات در مورد این آثار بالقوه از طریق فرایند اطلاع‌رسانی، تأمین مالی و انجام مطالعات ضروری و مشارکت دادن جوامع بومی و محلی در ارزیابی‌ها.

بنابراین در جهت اجرایی شدن استاندارد ادغام، ضروری است که شرکت‌های فراملی به طور مستمر (و نه یک‌بار پیش از اجرای پروژه) آثار و تبعات زیست‌محیطی فعالیت مورد نظر خود را ارزیابی نمایند تا دغدغه‌های زیست‌محیطی در تمام طول فعالیت لحاظ گردد و در این راستا نه تنها افراد و جوامع محلی را در این ارزیابی مشارکت دهند بلکه نتایج ارزیابی‌ها را به اطلاع ایشان نیز برسانند زیرا که آثار زیست‌محیطی فعالیت‌ها متوجه این افراد و جوامع است. این ارزیابی‌ها چنان اهمیت دارند که پیش‌زمینه تدوین نظام‌های مدیریت محیط زیست^۵ برای شرکت‌ها (یکی دیگر از روش‌های اعمال استاندارد ادغام) تلقی می‌شوند.

۳-۴. سیستم مدیریت محیط زیست^۶

درواقع سیستم مدیریت محیط زیست پیامد ارزیابی آثار زیست‌محیطی بوده و به واسطه آن می‌توان آثار مستقیم و غیرمستقیم فعالیت شرکت‌ها را در بلندمدت کنترل نمود. اصول راهنمای

۱. اصل مزبور در «هنجارهای مسئولیت‌های شرکت‌های فراملی و سایر کسب و کارها با عنایت به حقوق بشر» تصریح شده است. (U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/2003/38/Rev.2 (2003)).

۲. UN Norms on the Responsibility of Transnational Corporations

۳. Commentary to the UN Norms, at (b) and (c).

۴. CBD Guidelines on Biodiversity and Tourism Development

۵. Environmental Management Systems (EMS)

۶. Environmental Management System (EMS)

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز این سیستم را ابزار ضروری کنترل آثار زیست‌محیطی فعالیت‌های شرکت و ادغام ملاحظات زیست‌محیطی در برنامه‌های تجاری می‌داند. اصول مزبور، سیستم مدیریت محیط زیست را مستلزم دو روش «کنترل آلودگی» و «مدیریت منابع» می‌داند که با اجرای آن می‌توان آثار زیست‌محیطی فعالیت شرکت‌ها را در بلندمدت کنترل نمود.^۱ شرکت‌ها با اجرای این روش‌ها می‌توانند از طریق جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات و تطبیق با اهداف زیست‌محیطی، در یک فرایند مداوم عملکرد زیست‌محیطی خود را ارتقاء دهند. با اجرای این سیستم می‌توان عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها را بهتر مورد سنجش قرار داد، به این مفهوم که می‌توان تعیین نمود آیا شرکت‌ها «بهترین رویه عملی»^۲ و همچنین «بهترین فناوری موجود»^۳ را به کار می‌گیرند یا خیر.

در استانداردهای زیست‌محیطی موسسه مالی بین‌المللی^۴ نیز سیستم مدیریت زیست‌محیطی مبنای مسئولیت زیست‌محیطی شرکت‌ها بیان شده است.^۵ در تحقیقی که اداره محیط زیست وزارت و وزارت کشور آمریکا در سال ۲۰۰۷ انجام داده است علاوه بر کاهش تبعات منفی زیست‌محیطی، کاهش هزینه‌های عملیاتی، ادغام ملاحظات زیست‌محیطی در پروژه‌ها، افزایش مشارکت کارکنان و حفظ متابعت شرکت‌ها از مزایای سیستم مدیریت زیست‌محیطی اعلام شدند.^۶

۴-۴. پیشگیری / مراقبت کافی^۷

در حقوق بین‌الملل محیط زیست اصل پیشگیری، دولت‌ها را ملزم می‌دارد تا به منظور اجتناب از ایراد صدمه به محیط زیست و از طریق کاهش، محدودسازی و کنترل فعالیت‌هایی که زمینه‌ساز مخاطرات زیست‌محیطی هستند مراقبت کافی را به عمل آورند. بر اساس ماده ۱۱ اعلامیه ریو دولت‌ها باید با اتخاذ تمهیدات قانونی و اجرایی مناسب به این مهم جامه عمل بپوشانند.^۸ برابر این اصل باید پیش از ایراد صدمه و با غدغن نمودن فعالیت‌هایی که می‌توانند یا عملاً با نقض استانداردهای شناخته شده حقوق بین‌الملل به محیط زیست آسیب می‌رسانند اقدام

1. OECD Guidelines, Commentary, 30.

2. Best practical means

3. Best Available Technology

4. International Finance Corporation (IFC)

۵. موسسه مالی بین‌المللی برای پیشبرد سرمایه‌گذاری پایدار در بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه تأسیس شده است. این موسسه که یکی از اعضای «گروه بانک جهانی» است، بزرگ‌ترین منبع چندجانبه اعطای وام و سهام برای تأمین مالی پروژه‌های بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. چارچوب پایداری موسسه مالی بین‌المللی (IFC's Sustainability Framework) تعهد راهبردی شرکت‌ها به توسعه پایدار را تشریح نموده است.

6. US Department of Interior, available at:

http://www.doi.gov/oepc/ems_awareness_training.ppt

7. Prevention/ due diligence

فوری انجام شود.^۱

اصل پیشگیری را می‌توان در ارتباط تنگاتنگ با خودارزیابی و سیستم مدیریت زیست‌محیطی دانست زیرا در راستای ادغام نگرانی‌های زیست‌محیطی در برنامه‌های تجاری، شرکت‌ها باید از مخاطرات زیست‌محیطی شناسایی شده پیشگیری نمایند و در صورتی که پیشگیری ممکن نباشد آن را کنترل نموده و به حداقل برسانند. اصل پیشگیری به‌خوبی در اصول راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه مورد توجه قرار گرفته است. بر مبنای اصول یاد شده، شرکت‌ها باید طرح‌هایی برای پیشگیری، کنترل و کاهش صدمات جدی زیست‌محیطی و بهداشتی (شامل حوادث و رخداد‌های پیش‌بینی نشده) منبعث از فعالیت‌های خود و نیز مکانیسم‌هایی جهت گزارش دهی فوری به مقامات مربوطه را به موقع اجرا گذارند.^۲ همچنین در رهنمودهای شرکت مالی بین‌المللی به پیشگیری از آلودگی، مشتمل بر آلودگی هوا، کاهش تغییرات آب و هوایی و مدیریت پسماندها و مواد شیمیایی پرداخته شده است.^۳ نیز بر طبق هنجارهای ملل متحد استانداردهای پیشگیرانه دقیق‌تری دقیق‌تری برای بخش خصوصی معین شده است. این استانداردهای پیشگیرانه باید از طریق اتخاذ تکنیک‌های زیست‌محیطی سالم بر اساس میثاق جهانی سازمان ملل^۴، یا از طریق اقدامات مقتضی به منظور کاهش ریسک حوادث و صدمه به محیط زیست و بالاخره اتخاذ بهترین فناوری‌ها و روش‌های مدیریتی اجرا شوند. علاوه بر این استانداردهای پیشگیری می‌تواند متضمن حداقل سازی پسماندها نیز باشد؛ بدین مفهوم که شرکت‌ها روش‌های مؤثری را برای جمع‌آوری پس‌مانده‌های محصولات یا خدمات خود به منظور بازیافت و استفاده مجدد در نظر بگیرند.

۴-۵. احتیاط^۵

اصل احتیاط در اسناد زیست‌محیطی بین‌المللی مختلفی، از جمله اعلامیه ریو به چشم می‌خورد. احتیاط به این معناست که دولت‌ها نباید در شرایطی که مخاطرات جدی و غیرقابل

1. Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment' (16 June 1972) UN Doc A/CONF.48/14/Rev.1 (Stockholm Declaration), Principles 6, 7, 15, 18 and 24.

2. OECD Guidelines, Ch V, para. 5.

3. IFC, Performance Standard 3.

۴. کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ طی سخنرانی خود در کنفرانس اقتصاد جهانی در شهر داووس سوییس «میثاق جهانی ملل متحد» را مطرح نمود. در این کنفرانس دبیر کل، سران بنگاه‌های جهان را به کمک در جهت پایه‌ریزی ستون‌های اجتماعی و زیست‌محیطی اقتصاد جهان بر مبنای ارزش‌ها و اصول مشترک فراخواند. سرانجام میثاق جهانی در سال ۲۰۰۰ در شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد رسماً به تصویب رسید. اصل ۱۰ میثاق جهانی از شرکت‌های ملحق شونده می‌خواهد تا توسعه و انتشار فناوری‌های سازگار با محیط زیست را به‌نحوی که در راهنمای این میثاق تعریف شده ترغیب نمایند. فناوری‌هایی که تضمین‌کننده آلودگی کمتر، حفاظت از محیط زیست، استفاده پایدار از منابع طبیعی و کاهش یا استفاده مجدد از پسماندها هستند.

5. Precaution

جبران وجود دارد، عدم قطعیت علمی را مبنای تعویق اقدامات مؤثر برای پیشگیری از انهدام محیط زیست قرار دهند.^۱ همچنین اصل احتیاط در کنوانسیون حفاظت از لایه اوزون^۲ ۱۹۸۵ و «پروتکل کارتاژنا در مورد امنیت زیستی»^۳ نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

در محور حقوق نرم قابل اعمال در مورد شرکت‌های فراملی اهمیت اصل احتیاط در استانداردهای مربوط به مسئولیت شرکت‌ها از جمله میثاق جهانی ملل متحد، اصول راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و هنجارهای ملل متحد تصریح گشته است. در این راستا راهنمای «میثاق جهانی» تأکید می‌کند که بر مبنای اصل احتیاط بنگاه‌ها باید به منظور جلوگیری از وقوع صدمه زیست‌محیطی جبران‌ناپذیر، مؤثرترین و سریع‌ترین اقدام ممکن را به عمل آورند. برای نیل به این هدف از شرکت‌ها انتظار می‌رود آثار و مخاطرات زیست‌محیطی فعالیت‌های خود را برآورد نمایند، بر روی روش‌های تولید پایدار سرمایه‌گذاری کرده و به تحقیق و توسعه محصولات سازگار با محیط زیست بپردازند.^۴ در مقابل، اصول راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در صدد آن است که با توسل به رویکرد احتیاطی، شرکت‌های فراملی را از اقدام توأم با تأخیر، در صورت عدم قطعیت علمی بازدارد.^۵

به لحاظ ماهوی، اصل احتیاط شرکت‌ها را ملزم می‌نماید تا در هنگام تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌هایی که ممکن است تأثیر نامطلوبی بر محیط زیست داشته باشند با دقت و دوراندیشی عمل نمایند. بعلاوه اصل یاد شده شرکت‌ها را از عدم قطعیت علمی به عنوان عذری برای مبادرت به فعالیت‌های بالقوه خطرناک برای محیط زیست بر حذر می‌دارد. با اتکا بر این اصل، شرکتی که قصد انجام فعالیتی را دارد باید اثبات نماید که فعالیت وی زیانی برای محیط زیست ندارد.

۴-۶. ارائه اطلاعات زیست‌محیطی^۶

دسترسی به اطلاعات در مورد وضعیت محیط زیست و فعالیت‌های متضمن آثار زیان‌بار برای محیط زیست، یکی از تعهدات مهم دولت‌ها در سیاق حقوق بین‌الملل محیط زیست به حساب می‌آید. کمیسیون حقوق بین‌الملل معتقد است ماهیت استاندارد ارائه اطلاعات زیست‌محیطی برای دولت‌ها عبارت است از ارائه اطلاعات به سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با

۱. اعلامیه ریو، ماده ۱۵

2. Convention for the Protection of the Ozone Layer (Vienna, 22 March 1985), Arts. I and V(3)(a).

3. Cartagena Protocol on Biosafety (Montreal, 29 January 2000), Art. 10(6).

4. Guide to the UN Global Compact, 54

۵. این اصول راهنما شرکت‌ها را به عدم تأخیر در انجام تعهدات احتیاطی توصیه می‌نماید.

6. Disclosure of Environmental Information

رژیم‌های زیست‌محیطی و نیز تبادل اطلاعات با کشورهای دیگری که به طور بالقوه در معرض آثار زیان‌بار فعالیت‌های خاص هستند^۱.

همچنین ارائه اطلاعات زیست‌محیطی برای همکاری بخش خصوصی با مقامات محلی ضروری است؛ بخصوص که این استاندارد با پیشگیری و کاهش مخاطرات ارتباط نزدیکی دارد. گزارش‌های ملل متحد در سال ۱۹۸۹ با اولویت بخشیدن به ارائه اطلاعات زیست‌محیطی شرکت‌ها، آن را «رکن ضروری اجرای توسعه پایدار» اعلام نمود. در گزارش دبیر کل ملل متحد در سال ۱۹۸۹، توسعه فهرستی بین‌المللی از موارد اساسی اطلاعات زیست‌محیطی توصیه شده است که باید به طور منظم توسط شرکت‌ها انتشار یابد^۲. شاید بروز فجایع زیست‌محیطی متعدد به واسطه فعالیت‌های شرکت‌های فراملی لزوم ارائه اطلاعات زیست‌محیطی را به خوبی آشکار نماید؛ مثلاً در فاجعه بوپال، شرکت فراملی مسئول هنگام نشت گاز مهلک متیل سیانات، هشدار فوری صادر ننمود، اقدامی در جهت ارتباط با مقامات دولتی یا جوامع محلی در خصوص عواقب قرار گرفتن در معرض گاز منتشره انجام نداد و نیز اطلاعاتی در مورد اقدامات پزشکی لازم پس از بروز فاجعه در اختیار قرار نداد. همچنین پیامدهای انتشار دی‌اکسید سولفور توسط شرکت ایتالیایی سوسو به دلیل اطلاع‌رسانی دیر هنگام این شرکت رو به وخامت نهاد. یا پیدا شدن دلفین‌های مرده در سال ۲۰۱۱ یعنی یک سال پس از نشت نفت از سکوی بریتیش پترولیوم آن هم مایل‌ها دورتر از محل نشت کننده گویای عدم اطلاع‌رسانی مناسب این شرکت در خصوص آلودگی است^۳. از این رو متخصصین و کارشناسان معتقدند هنگامی که منفعتی عمومی (مانند محیط زیست) در میان است شرکت‌ها باید اطلاعات موجود خود را ارائه دهند.

«میثاق جهانی» ملل متحد ارائه اطلاعات را یکی از ارکان ضروری تعامل میان ذینفعان متعدد شرکت‌ها می‌داند. «هنجارهای ملل متحد»، «اصول راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» و «استانداردهای شرکت مالی بین‌المللی» نیز ارائه اطلاعات را به استاندارد پیشگیری ارتباط داده‌اند. سازوکارها و نهادهای بین‌المللی دیگری نیز وجود دارند که شرکت‌ها را به ارائه اطلاعات زیست‌محیطی و همکاری با مقامات دولتی فرا می‌خوانند. به طور مثال کمیسیون

1. ILC, 'Draft Articles on Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities' (2001) UN Doc A/56/10.

2. UNCTC, 'Ongoing and Future Research: Transnational Corporations and Issues Relating to the Environment—Report of the Secretary General' (1989) UN Doc E/C.10/1989/12, 12-13

3. What's killing the Gulf of Mexico's dolphins, Available at: <http://www.mnn.com/earth-matters/animals/blogs/whats-killing-the-gulf-of-mexicos-dolphins>

اقتصادی ملل متحد برای منطقه اروپا (UNECE) از کشورهای منطقه خواسته است تا شرکت‌های فعال در قلمرو خود را ملزم نمایند با ارائه اطلاعاتی همچون جزئیات اصلی فعالیت (از جمله تحلیل و ارزیابی پروژه)، ایمن بودن فعالیت‌های مخاطره‌آمیز خود را نشان دهند.^۱ نمونه مرتبط دیگر در این خصوص را می‌توان در ابتکار مقام بین‌المللی اعماق دریاها^۲ مشاهده نمود. مقام که نخستین سازمان بین‌المللی واجد صلاحیت نسبت به کاربران خصوصی است، در راهنمای پیمانکاران، از ایشان می‌خواهد تا آثار زیست‌محیطی احتمالی ناشی از اکتشاف کلوخه‌های چندفلزی را ارزیابی نمایند. (Kiss, Shelton, 1991: 210) اعمال این استاندارد نیز به مانند ارزیابی آثار زیست‌محیطی باید به صورت مستمر و در طول عمر پروژه باشد، نه فقط پیش از اجرای پروژه یا فعالیت مرتبط با محیط زیست.

۷-۴. مشورت عمومی^۳

هنجارهای ملل متحد و اصول راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بر مشارکت دادن افراد متأثر توسط بخش خصوصی تأکید می‌نمایند.

بر مبنای این استاندارد بین‌المللی، بخش خصوصی باید از مشارکت یافتن جوامع اطمینان حاصل نماید، به‌ویژه در مواردی که تأثیر زیست‌محیطی احتمالی می‌تواند مانع حق بر سبک زندگی سنتی، امور فرهنگی، زمین و منابع طبیعی جوامع محلی و بومی گردد. همچنین بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی به این موضوع اشاره نموده‌اند که مشارکت این جوامع در ارزیابی آثار زیست‌محیطی و مدیریت پروژه‌های بخش خصوصی می‌تواند باعث ارتقاء کیفیت ارزیابی‌ها، کیفیت اطلاعات و متعاقباً تصمیم‌گیری بهتر و توسعه راهکارهای کاهش آلودگی و برنامه‌ریزی بهتر برای حوادث احتمالی شود. (Morgera, 2009: 192-3)

در این راستا «میثاق جهانی» ملل متحد تنها به حفظ تعامل میان سهامداران مختلف بسنده کرده است. اصول راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه «مشورت با جوامع بالقوه متأثر»^۴ را توصیه می‌کند؛ اما شرکت مالی بین‌المللی ارجاعات متعددی به این استاندارد دارد. در استانداردهای این سازمان با اشاره به مشارکت جامعه در ارتباط با ارزیابی آثار زیست‌محیطی، مشورت با جوامع بالقوه متأثر (با عنایت به سیستم مدیریت محیط زیست)، مدیران مناطق

1. Art. 6(2) and Annex V to the UNECE Convention on the Transboundary Effects of Industrial Accidents (Helsinki, 17 March 1992).

2. International Seabed Authority

3. Public Consultation

۴. جوامع انسانی که ممکن است به نحوی از فعالیت‌های صنعتی متأثر شد و فی‌الواقع در اجرای پروژه‌های صنعتی سهمی دارند.

حفاظت شده و ادغام نظرات ایشان در تصمیم‌گیری شرکت نیز ذکر شده است. به هر حال به نظر می‌رسد مشارکت جوامع و افراد محلی در تصمیمات شرکت‌های فراملی که آثار زیست‌محیطی به بار می‌آورند می‌تواند منبای مهمی برای تعامل این گروه‌ها با بخش خصوصی و همچنین بخش خصوصی با دولت‌ها در جهت کاهش یا مهار آلودگی‌های زیست‌محیطی باشد؛ اما متأسفانه باید گفت جوامع و گروه‌های بومی و محلی در عمل جایگاه چندانی در این تصمیمات ندارند و باید مشارکت و مسئولیت بیشتری در فرایندهای زیست‌محیطی داشته باشند.

۴-۸. استفاده پایدار از منابع طبیعی^۱

مفهوم توسعه پایدار که در جریان «کنفرانس ریو در مورد محیط زیست و توسعه» در سال ۱۹۹۲ توسعه یافته و در سال ۲۰۰۲ در اجلاس جهانی توسعه پایدار رو به تکامل نهاد، یکی از اصول بنیادین نحوه رفتار شرکت‌های فراملی است. همان‌طور که در بخش قبل توضیح داده شد بخش خصوصی سهم قابل توجهی در استفاده از منابع طبیعی دارد، پس می‌توان از آن انتظار داشت منابع طبیعی را به گونه‌ای مورد مصرف قرار دهد که نسل‌های آینده نیز از آن بهره‌مند شوند. از دیدگاه منطقی نیز در صورتی که بخش خصوصی از منابع طبیعی به شکل صحیح و پایدار بهره‌برداری نماید می‌توان تداوم حیات گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری را انتظار داشت.^۲ در این راستا هنجارهای ملل متحد در مورد مسئولیت شرکت‌های فراملی و اصول راهنمای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از شرکت‌ها انتظار دارند به نحوی عمل کنند که با اهداف توسعه پایدار همسو باشد.

تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای ترغیب بخش خصوصی به استفاده پایدار از محیط زیست در اسناد دیگری نیز تبلور می‌یابد؛ مثلاً در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد در مورد حقوق دریاها، به حفظ تعادل اکولوژیکی^۳ اشاره شده است؛ که شامل اکوسیستم‌های کمیاب و شکننده^۴ و سکونتگاه‌های گونه‌های در معرض تهدید یا خطر یا رو به تقلیل و دیگر اشکال حیات دریایی اشاره شده است.^۵ همچنین کنوانسیون تنوع زیستی استفاده پایدار را استفاده از اجزاء تنوع زیستی به گونه‌ای می‌داند که در بلندمدت منجر به کاهش تنوع زیستی نگردد و بدین شکل قابلیت برآورده ساختن نیازها و خواسته‌های نسل موجود و نسل‌های آتی را حفظ کند. در این

1. Sustainable Use of Natural Resources

۲. گونه‌های در معرض تهدید یا خطر توسط جامعه بین‌المللی در سازوکارهای بین‌المللی همچون کنوانسیون بین‌المللی تجارت گونه‌های در معرض نابودی (CITES)، یا کنوانسیون گونه‌های مهاجر شناسایی و فهرست شده‌اند.

3. Ecological Balance

4. Rare and Fragile Ecosystems

5. The United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS) (Montego Bay, 10 December 1992) Arts. 145 and 194

کنوانسیون صراحتاً از بخش خصوصی خواسته شده است تا در تضمین استفاده پایدار از اجزاء تنوع زیستی مشارکت نماید.^۱

«استانداردهای شرکت مالی بین‌المللی»^۲ نیز در این زمینه به استفاده پایدار از منابع طبیعی کمک می‌کند. این مجموعه استانداردها استفاده پایدار را بدین صورت تعریف می‌نماید: «استفاده، توسعه و حفاظت از منابع به نحوی که رفاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد یا جوامع را برآورده نماید در حالی که پتانسیل این منابع برای برآورده ساختن نیازهای قابل پیش‌بینی نسل‌های آینده و نیز حفاظت از ظرفیت حیات‌بخش اکوسیستم‌های هوایی، آبی و خاکی حفظ گردد».

این استاندارد نیز با استانداردهای دیگری چون مشارکت جوامع متأثر، پیشگیری و یکپارچه‌سازی زیست‌محیطی ارتباط تنگاتنگی دارد. به‌واقع می‌توان استانداردهای یاد شده فوق را مانند قطعات یک پازل دانست که در کنار یکدیگر بیانگر نگرش و انتظارات حقوق بین‌الملل محیط زیست نسبت به بخش خصوصی بوده و با اجرای آن‌ها می‌توان انتظار عملکرد زیست‌محیطی بهتری از فراملی‌ها داشت.

۵. نتیجه

شرکت‌های فراملی، با وجود زیان‌های فراوان زیست‌محیطی (که بالتبع زیان به افراد بشر تلقی می‌شود)، همچنان به سازوکارهای الزام‌آور حقوقی بین‌المللی تن نداده‌اند. در حقیقت، هم‌اکنون شرکت‌های فراملی به‌دوراز مقررات دست‌وپا گیر داخلی و بین‌المللی محدودیت چندانی برای نقض حقوق بشر و محیط زیست احساس نمی‌کنند و فارغ از قید و بند مسئولیت بین‌المللی، رفتارهای مخاطره‌آمیز خود را ادامه می‌دهند. جهانی شدن هم به این فرایند دامن زده است؛ از آن جهت که «به این بازیگران غیردولتی چنان قدرتی بخشیده است که می‌توانند حقوق بشر را زیر پا نهند، به‌طوری که در زمان تبیین قواعد حقوق بشری مدرن تصور آن نمی‌شد».

(Shinsato, 2005:189)

اگر بگویم حقوق بین‌الملل محیط زیست که خود رشته حقوقی نسبتاً جوانی است، آبیستن مقررات رفتاری برای شرکت‌های فراملی است ره به خطا نبرده‌ایم. در حال حاضر حقوق

۱. ماده ۱۰ کنوانسیون به همکاری میان مقامات دولتی و بخش خصوصی برای توسعه روش‌های استفاده پایدار از منابع بیولوژیکی اختصاص دارد.

۲. این استانداردها بیانگر مسئولیت‌های مشتریان موسسه مالی بین‌المللی در زمینه مدیریت مخاطرات زیست‌محیطی و اجتماعی آن‌ها هستند.

بین الملل و به طور مشخص حقوق بین الملل محیط زیست سایه تعهدات الزام آور خود را بر سر دولت ها افکنده است؛ اما جامعه بین المللی حرکت بسیار کندی در جهت صیانت از محیط زیست به واسطه تحمیل تعهدات محیط زیستی بر شرکت های فراملی آغاز نموده است. دلیل این امر نیز بی میلی دولت ها و شرکت های فراملی به پذیرش تعهدات الزام آور است.

مع الوصف همان گونه که بحث شد استانداردهای زیست محیطی متعددی در حقوق بین الملل محیط زیست وجود دارند که قابل تسری به شرکت های فراملی می باشند. اصولی همچون یکپارچه سازی، مراقبت کافی، احتیاط، ارائه اطلاعات زیست محیطی، مشورت عمومی و استفاده پایدار از منابع طبیعی به واقع در حال تبدیل شدن به تعهدات زیست محیطی شرکت های فراملی هستند. این اصول که در قالب حقوق نرم و در اسناد مختلفی مانند اعلامیه استکهلم، ریو و دستور کار ۲۱ مورد تصریح قرار گرفته اند با گذشت زمان و با تطبیق رویه عملی دولت ها می توانند به شکل قاعده الزام آور حقوق بین الملل عرفی در آیند. (حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۱) در این راستا اقدامات سازمان های بین المللی در وضع هنجار برای شرکت های فراملی بسیار درخور توجه است. علی الخصوص در مواردی که این تمهیدات لازم الرعایه هستند. در این خصوص نمونه جالب توجه، استانداردهای زیست محیطی موسسه مالی بین المللی (IFC) است که به عنوان یکی از شرایط اعطای وام مطرح گردیده و بدین ترتیب رعایت این استانداردها را توأم با نوعی ضمانت اجرا نموده است. اصول راهنمای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز آن چنان که بررسی گردید راهنمای عمل نسبتاً جامعی در زمینه رفتارهای زیست محیطی شرکت های فراملی در اختیار شرکت ها نهاده اند. این استانداردها که بخشی از حقوق بین الملل محیط زیست می باشند در واقع بازتاب انتظارات جامعه بین المللی در ارتباط با رفتارهای زیست محیطی شرکت ها هستند. شاید بهتر است آن ها را سنگ محکی برای ارزیابی رفتار بنگاه ها و میزان پایبندی آن ها به اهداف زیست محیطی دانست. همچنین نباید فراموش گردد که این استانداردها حاصل همکاری و رایزنی سازمان های واضح آن ها با نمایندگان سازمان های غیردولتی، بنگاه ها و انجمن ها، دولت ها و دیگر فعالان و ذینفعان این حوزه بوده است. پس به این ترتیب می توان استانداردهای حداقل زیست محیطی را دارای شمول موضوعات مهم و دغدغه های مطرح در این باب دانست.

به هر حال سازو کارهایی که در این پژوهش در خصوص رفتار شرکت های فراملی بررسی و تحلیل گردیدند همگی در حیطه حقوق نرم و غیر الزام آور جای می گیرند. باین حال اسناد فوق می توانند گام های نخست جامعه بین المللی در شکل گیری و تحمیل تعهدات الزام آور به شرکت های فراملی تلقی شوند. در حقیقت این رویکرد بیانگر آن است که هنجارهای حقوق

بشری تنها آرمان و ایده آل نیستند، بلکه می‌توانند در صورت اهتمام جامعه بین‌المللی رنگ حقیقت گرفته و در آینده توأم با الزام حقوقی گردند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

فارسی

- حبیبی، محمدحسن، (۱۳۸۶)، *حقوق محیط زیست*، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، *حقوق بین الملل عمومی*، تهران، گنج دانش.
- فیروزی، مهدی، (۱۳۸۴)، *حق بر محیط زیست*، تهران، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- پور هاشمی، سید عباس، ارغند، بهاره، (۱۳۹۲)، *حقوق بین الملل محیط زیست*، تهران، انتشارات دادگستر.

انگلیسی

Books

- Morgera Elisa, (2009), *Corporate Accountability in International Environmental Law*, Oxford University Press, New York.
- Puvimanasinghe, Shyami, (2007), *Foreign Investment, Human Rights and the Environment*, Martinus Nijhoff, Leiden
- Sands, Ph, (2003), *Principles of International Environmental Law*, Cambridge University Press, Cambridge

Articles

- Lowe, A. (2004), "Corporations as International Actors and International Law Makers", *Italian Yearbook of International Law*, Volume 14.
- Ong, David, (2001), "International Legal Developments in Environmental Protection: Implications for the Oil Industry", *European Journal of International Law*, Vol. 12, No 4.
- Partan, D, (1988), "The Duty to Inform in International Environmental Law", *Boston University International Law Journal*, Volume 43.
- Rogers, Peggy, (2000), "The implication of Jota v. Texaco and the Accountability of Transnational Corporation", *Pace International Law Review*, Volume 12, Issue 1.
- Shinsato, Alison L, (2005), "Increasing the Accountability of Transnational Corporations for Environmental Harms: The Petroleum Industry in Nigeria", *Northwestern Journal of International Human Rights*, Volume 4, Issue 1.

Documents

- Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment' (16 June 1972) UN Doc A/CONF.48/14/Rev.1 (Stockholm Declaration)
- OECD, 'OECD Guidelines for Multinational Enterprises: Review 2000—Report by the Secretary-General' (27 June 2000) OECD Doc C(2000)96/REV.
- Convention for the Protection of the Ozone Layer (Vienna, 22 March 1985)
- UN Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and other Business Enterprises with Regard to Human Rights

وبسایت‌ها:

- http://www.who.int/water_sanitation_health/hygiene/settings/ChildrenNM5
- http://www.wbcsd.org/web/publications/case/btc_pipeline_full_case_final_web.doc
- http://www.doi.gov/oepc/ems_awareness_training.ppt
- <http://digitalcommons.pace.edu/pilr/vol12/iss1/3>
- <http://themoderatevoice.com/74514/browner-oil-spill-worst-environmental-disaster-in-u-s-history>
- www.nodirtygold.org/pubs/DirtyMetals_HR.pdf
- <http://www.unctc.unctad.org>

